

## پژوهشی در حکم فقهی فاضلاب تصفیه شده

### چکیده

مقاله‌ی پژوهشی در حکم فقهی فاضلاب تصفیه شده در سه مبحث به بررسی حکم فاضلاب تصفیه شده پرداخته است. در مبحث اول به بررسی مفاهیم واره‌های فاضلاب، تصفیه و حکم می‌پردازد. فاضلاب آبراهه‌هایی است که آب زاید و کثافات از آن عبور و به مکان خاصی انتقال داده می‌شوند و در تصفیه‌خانه‌ها تبدیل به آب زلال بدون آلودگی می‌شوند. برای فهم حکم آب فاضلاب تصفیه شده لازم است بدانیم مقصود از حکم، حکم طهارت و نجاست است. در مبحث دوم مقتضای قاعده و اصل عملی مورد ارزیابی قرار گرفت که مقتضای قاعده و اصل استصحاب نجاست آب فاضلاب تصفیه شده است. در مبحث سوم دلیل لفظی معتبره دلیل متمم تره مورد تحقیق قرار گرفته و نتیجه این شد که آب قلیل نجس اگر به وسیله‌ی آب نجس دیگر به حد کثر برسد، هر دو آب نجس خواهند شد. اما اگر با آب طاهر به حد کثر برسد، نجاست این آب ضعیف است بلکه طهارت آن تقویت می‌شود اما در مقام فتوا و تأثیر آن در حکم فاضلاب تصفیه شده، نمی‌توانیم از دلیل استفاده‌ی مطلوب نماییم.

### کلید واژه‌ها:

حکم فقهی، فاضلاب تصفیه شده، تطهیر آب فاضلاب.

## مقدمه

مقاله‌ای که در پیش رو دارید، بحثی است پیرامون «حکم فاضلاب تصفیه شده». این مقاله در سه مبحث به بررسی حکم فاضلاب تصفیه شده می‌پردازد. مبحث اول: بیان مفردات (فاضلاب، تصفیه و حکم)؛ مبحث دوم: مقتضای قاعده و اصل در آب فاضلاب تصفیه شده؛ مبحث سوم: ادله‌ی طهارت آب فاضلاب تصفیه شده؛

## مبحث اول: بیان مفردات:

برای فهم دقیق هر پژوهشی باید واژه‌ها و مفردات آن پژوهش مورد بررسی قرار گیرد. واژه‌های تحقیق مورد نظر ما، «فاضلاب»، «تصفیه» و «حکم» می‌باشد که به بیان آنها می‌پردازیم.

### ۱. فاضلاب

فاضلاب یعنی آب زاید، فضولات مایع یا همراه آب. (انوری. فرهنگ بزرگ سخن. ۶/۵۲۴۷). در تداول امروز فاضلاب به آبراهه‌هایی اطلاق می‌شود که آب زاید و کثافات از آن عبور و به خارج شهر می‌رود. در این معنا استعمال ظرف به جای مظروف است (دهخدا). لغت نامه (۱۱/۱۶۹۴۱)، یعنی فاضلاب به جای آب فاضلاب به کار می‌رود.

به نظر می‌رسد آب‌های زاید و فضولات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد.

دسته‌ی اول: فضولات منازل و مساکن (مانند آب حمام، مستراح و..)

دسته‌ی دوم: فضولات کارخانه‌ها و دستگاه‌های صنعتی.

دسته‌ی سوم: آب‌های سطحی ناشی از ریزش‌های جوی که وارد مجاری فاضلاب می‌شوند.

شبکه‌ی فاضلاب؛ مجموعه لوله‌هایی است که آب فاضلاب را از خانه‌ها، کارخانه‌ها و دیگر ساختمان‌ها به مکان خاصی منتقل و هدایت می‌کند.

در یک تقسیم بندی دیگر شبکه‌ی فاضلاب به دو نوع تقسیم می‌شود. شبکه‌های فاضلاب برای مناطق روستایی که معمولاً شبکه‌های فردی است و دیگری شبکه‌های فاضلاب شهری.

به طور کلی می‌توان گفت که در فاضلاب و شبکه‌های آن، انواع مواد جامد و مایع یافت می‌شود (مصاحب، غلامحسین. دایره المعارف فارسی، ۱۸۳۴/۲).

## ۲. تصفیه

تصفیه در لغت؛ پاک کردن، صاف کردن، بی‌آلایش کردن، خالص کردن و به پایان رسانیدن امری است (معین: فرهنگ فارسی معین، ۱/۴۵۹). اما مقصود ما از تصفیه، تصفیه‌ی فاضلاب است. برای تصفیه‌ی فاضلاب‌ها، آنها را از نقاط مصرف آب (منازل، مراکز آموزشی و مراکز تجاری عمومی و واحدهای صنعتی) جمع‌آوری و از طریق شبکه‌های فاضلاب رو به تصفیه‌خانه‌ی فاضلاب انتقال می‌دهند (فاضلاب‌روها لوله‌هایی هستند که در خیابان‌ها و کوچه‌ها به منظور جمع‌آوری و انتقال فاضلاب در زیر زمین کار گذاشته شده‌اند)، و نقش انتقال دهنده را دارند. در تصفیه‌خانه‌های فاضلاب پس از انجام مراحل مختلف که در زیر آن‌ها را توضیح می‌دهیم، از فاضلاب این ماده‌ی آلوده و بیماری‌زا، آب سالم عاری از آلودگی به دست می‌آید که می‌توان در بخش کشاورزی و فضای سبز استفاده کرد.

تصفیه‌ی فاضلاب با روش‌های متفاوتی صورت می‌گیرد اما باید توجه داشت که همه نوع تصفیه‌خانه‌ها، مبدأ و مقصد مشترکی دارند مبدأ آن دریافت فضولات از شبکه‌های فاضلاب، و مقصد و خروجی آن آب زلال و صاف بدون هر گونه مواد آلاینده و مضر. سیستم تصفیه‌ی فاضلاب در کشور ما پنج مرحله دارد که عبارتند از:

### ۱. تصفیه‌ی مقدماتی

الف) آشغال‌گیری: در این قسمت تکه‌های چوب، پارچه، پلاستیک، قوطی و برگ درختان و از فاضلاب جداسازی می‌شود. این آشغال‌ها در ابتدای تصفیه‌خانه از فاضلاب جداسازی می‌شود. زیرا وجود آن‌ها در فاضلاب سبب صدمه به پمپ‌ها و دیگر تجهیزات مکانیکی تصفیه‌خانه می‌شود.

ب) دانه‌گیری: فاضلاب به طرف جلو حرکت کرده و به قسمت دانه‌گیری می‌رسد. در فاضلاب موادی هم چون شن و ماسه و هسته‌ی میوه‌ها و تکه‌های کوچک استخوان وجود دارد که به آن‌ها مواد دانه‌ای گویند. این مواد نیز می‌توانند موجب ساییدگی و فرسایش قطعات مکانیکی تصفیه‌خانه شوند. جهت جداسازی این دانه‌ها، سرعت جریان فاضلاب را در داخل کانال‌های خاص کاهش می‌دهند تا مواد دانه‌ای را که در کف کانال ته نشین شده به کمک تسمه‌ی نقاله یا توسط پمپ مخصوص به مخزن مناسبی انتقال و پس از شستشو دفع نمایند.

#### ۲. تصفیه‌ی اولیه

عمل بعدی، حذف مواد جامد بسیار ریزی است که به صورت معلق هستند. جهت حذف آنها، فاضلاب به یک تانک بزرگ قیفی شکل به نام تانک ته نشینی اولیه وارد می‌گردد. فاضلاب در این تانک برای مدت دو ساعت باقی می‌ماند و در طول این مدت، قسمت عمده‌ی جامدات معلق موجود در فاضلاب در کف تانک جمع می‌گردد و مایع باقی مانده در روی لجن‌ها که «پساب اولیه» نام دارد وارد تصفیه‌ی ثانویه می‌گردد.

#### ۳. تصفیه‌ی ثانویه

در این مرحله از وجود باکتری‌ها جهت تصفیه استفاده می‌شود. البته باکتری‌ها جهت انجام این کار به اکسیژن زیادی نیاز دارند که از طریق روش‌های زیر قابل تأمین است. یک روش این است که فاضلاب را بر روی بسترهای شنی می‌پاشند. فاضلاب‌ها با هوا تماس حاصل می‌کنند و ضمن عبور از داخل شن‌ها که بر روی آن‌ها باکتری چسبیده شده، تصفیه می‌شوند.

روش دوم این است که فاضلاب را توسط دستگاهی به نام «هواده» به هم می‌زنند تا سطح هوا و فاضلاب افزایش یابد که در اثر این افزایش سطح تماس، مقداری اکسیژن در فاضلاب حل می‌شود. در این مرحله مواد آلی فاضلاب (مواد قندی، پروتئین‌ها و چربی‌ها و...) توسط باکتری‌ها مصرف گردیده و به لخته‌های متراکم و قابل ته نشین تبدیل می‌شوند.

#### ۴. زلال سازی نهایی:

در این مرحله، فاضلاب خروجی از تصفیه‌ی ثانویه وارد تانک ته نشین نهایی می‌شود تا لخته‌های متراکم از فاضلاب جدا شده و پساب زلال از روی تانک به واحد گندزدای

ضدعفونی) منتقل شود. در واحد زلال سازی نهایی، میکروب‌ها ته‌نشین شده از فاضلاب، لجن ثانویه را تشکیل می‌دهد و قسمتی از این لجن را دوباره به واحد تصفیه‌ی ثانویه برگشت داده که اصطلاحاً به آن لجن فعال گفته می‌شود. و مازاد آن را جهت دفع به بیرون سیستم منتقل می‌کنند و ارزش اقتصادی دارد.

۵. گندزدایی پساب:

آخرین عملیاتی که بر روی فاضلاب در تصفیه‌خانه انجام می‌گیرد ضدعفونی است. برای نابودسازی میکروب‌های بیماری‌زای موجود در فاضلاب آن را ضدعفونی می‌نمایند. جهت گندزدایی پساب از موادی هم چون کلر، گاز ازن و یا اشعه ماورای بنفش استفاده می‌شود. (بروشور «سیستم تصفیه فاضلاب»؛ رک مصاحب، دایره‌المعارف فارسی، ۱۸۳۴) این موارد خلاصه‌ای از مراحل تصفیه در کشور ما است.

### ۳. حکم

«حکم» در لغت به معنای قضا، فرمان، امر و فتوا است. (معین، محمد. پیشین؛ رک عمید: فرهنگ فارسی عمید. ۵۶۹) و معنای اصطلاحی نیز از آن دور نشده است.

مقصود از حکم در این بحث، حکم آب فاضلاب تصفیه شده از حیث طهارت و نجاست است. هر چند حکم حلیت و حرمت شرب آب فاضلاب تصفیه شده نیز مطرح می‌شود، اما بحث از حلیت و حرمت شراب، متفرع بر طهارت و نجاست آب فاضلاب تصفیه شده است. بنابراین آن چه در این مقاله مورد پژوهش قرار می‌گیرد، بحث از طهارت و نجاست آب فاضلاب تصفیه شده است.

مبحث دوم: مقتضای قاعده و اصل، در آب فاضلاب تصفیه شده:

در این مبحث به بررسی این مطلب خواهیم پرداخت که مقتضای قاعده و اصل در آب فاضلاب تصفیه شده چیست؟ اما قبل از بحث از مقتضای قاعده و مقتضای اصل در مسأله، لازم به یادآوری است که بحث از حکم فاضلاب تصفیه شده، بحثی است بر مبنای نظریه‌ی معروف و متداول در فقه امامیه، که قایل به تبدل به نصوص شرعی در امر طهارت و نجاست است. اما بر مبنای نظریه‌ی عدم تعبد به نصوص شرعی در امر طهارت و نجاست و این که فلسفه‌ی طهارت لزوماً ارشاد به بهداشت و به جهت ریشه‌کنی آلودگی‌ها از محیط زندگی انسانی است، در این صورت بحث از حکم فاضلاب

تصفیه شده مبتنی بر فلسفه‌ی طهارت و نجاست خواهد بود. اما از آن جایی که بحث ما مبتنی بر نظریه‌ی معروف در فقه شیعه - نظریه‌ی تعبد به نصوص شرعی در امر طهارت و نجاست- است، ناچار از بحث در فلسفه‌ی طهارت و نجاست اجتناب خواهیم کرد و تردیدی نیست که طرح بحث فلسفه‌ی طهارت و نجاست خود پژوهشی مستقل و جداگانه را می‌طلبد و ما در این نوشتار کوتاه از طرح آن صرف نظر خواهیم کرد. به هر حال مطالب این مبحث را در دو گفتار جداگانه مقتضای قاعده و مقتضای اصل پی خواهیم گرفت.

#### گفتار اول: مقتضای قاعده

آب فاضلاب به طور کلی و عمومی به گونه‌ای است که اعیان نجسه به فراوانی در آن یافت می‌شود و قبل از تصفیه، این اعیان نجسه هرگز استهلاک نشده‌اند. همین امر موجب می‌شود که رنگ، بو و مزه‌ی آب فاضلاب بعد از مدت بسیار کوتاهی، تغییر حسی پیدا کند. در این میان نجس بودن آب فاضلاب، امری روشن و بدیهی است. زیرا این آب مشمول ادله‌ی تنجّس متنجّسات است. اما وقتی آب فاضلاب به مرحله‌ی تصفیه می‌رسد، با تصفیه‌ی فاضلاب و ازاله‌ی تغییرات حاصله در رنگ، بو و طعم آب فاضلاب سابق و از طرفی با استهلاک اعیان نجسه‌ی موجود در فاضلاب، آیا حکم فاضلاب تصفیه شده، همان حکم فاضلاب تصفیه نشده است و یا این که آب فاضلاب تصفیه شده دیگر حکم آب فاضلاب تصفیه شده ندارد و محکوم به طهارت است؟

با غضّ نظر از ادله‌ی خاصه مقتضای قاعده‌ی اولیه این است که در آب فاضلاب تصفیه شده نیز اطلاق ادله‌ی تنجّس متنجّسات اقتضا می‌کند که آب فاضلاب تصفیه شده متنجّس است. به نظر ما هر چه کنکاش و تأمل در اطلاق آن نماییم، نمی‌توانیم دلیلی برای رفع ید از اطلاق ادله‌ی تنجّس متنجّسات پیدا کنیم. البته اگر کسی به این نتیجه برسد که اطلاق ادله‌ی تنجّس متنجّس وجود ندارد باز در این صورت مقتضای قاعده‌ی اولیه‌ی طهارت آب فاضلاب تصفیه شده نیست بلکه با خلل در اطلاق دلیلی در قاعده‌ی اولیه، باید به سراغ مقتضای اصل عملی رفت.

## گفتار دوم: مقتضای اصول

اگر در شمول و اطلاق دلیلی تردید شود و نتوانیم به اطلاق ادله‌ی تنجس متنجسات تمسک کنیم تا حکم آب فاضلاب تصفیه شده را همان حکم آب فاضلاب قبل از تصفیه بدانیم، در این صورت آیا مقتضای اصل عملی استصحاب حکم فاضلاب قبل از تصفیه برای فاضلاب تصفیه شده است؟ یا این که مقتضای اصل عملی برائت از نجاست و اصاله الحل است؟

به نظر ما مقتضای اصل عملی استصحاب، نجاست است. زیرا قبل از تصفیه‌ی آب فاضلاب، ما یقین به نجاست آن داشته‌ایم بعد از تصفیه، شبهه و شک در نجاست آب و فاضلاب تصفیه شده داریم، این جا مجرای اصل استصحاب است و حکم به نجاست آب فاضلاب تصفیه شده می‌کنیم.

شاید این شبهه مطرح شود که در این جا ارکان استصحاب ناممکن نیست. زیرا با تصفیه‌ی فاضلاب، موضوع تغییر می‌یابد. موضوع حکم نجاست، آب فاضلاب قبل از تصفیه است اما با تصفیه‌ی فاضلاب دیگر موضوع سابق عوض شده و موضوع جدیدی ایجاد شده که حکم جدیدی را می‌طلبد. و این موضوع جدید شاید آب مطلق باشد که هرگز حکم سابق نجاست را بر نمی‌تابد.

به عبارت روشن تر، تصفیه‌ی فاضلاب انقلاب موضوعی ایجاد کرده و این انقلاب موضوعی موجب طهارت آب فاضلاب تصفیه شده است. شبهه انقلاب خمر به خلّ که این انقلاب موضوعی حاصله، موجب طهارت آب فاضلاب تصفیه شده است.

پاسخ این شبهه این است که مطهریت انقلاب فقط در خصوص اعیان نجسه مایع مانند خمر است. اما متنجسات به خمر و دیگر اعیان نجسه انقلاب مطهر آن نیست. و استحاله نیز فقط در خصوص جامدات مانند استحال‌هی سگ و خوک به نمک و یا استحال‌هی اعیان نجسه و فضولات انسانی به کود و مانند آن است. پس در مایعات، استحاله راه ندارد. (طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ۱/۱۰۵، الانقلاب غیر الاستحاله اذ لا تتبدل فیہ الحقیقه النوعیه بخلافها و لذا لا تطهر المتنجسات به و تطهر بها). در نتیجه هیچ خللی در ارکان استصحاب پدید نیامده و حکم به نجاست آب فاضلاب قبل از تصفیه در مورد آب فاضلاب تصفیه شده نیز جاری است و در این صورت دیگر جایی برای جریان اصل برائت از نجاست و یا

اصاله الحل وجود ندارد. زیرا استصحاب بر آن مقدم است. اما قاعده‌ی طهارت در جایی جریان دارد که حکم سابق وجود نداشته باشد. اما با وجود حکم سابق به نجاست، دیگر راهی برای جریان قاعده‌ی طهارت وجود ندارد و روشن است که در فرض جریان هر دو اصل، اصل استصحاب مقدم است. آری، قاعده‌ی طهارت در صورتی جریان می‌یابد و موجب حکم به طهارت آب فاضلاب تصفیه شده می‌شود که بتوانیم احراز کنیم آب فاضلاب تصفیه شده، آب مطلق جدیدی است. خلاصه‌ی بحث این که جریان اصل استصحاب، موجب حکم به نجاست آب فاضلاب تصفیه شده است.

#### مبحث سوم: ادله‌ی طهارت آب فاضلاب تصفیه شده

ادله‌ی خاصه برای حکم آب فاضلاب تصفیه شده هم از جهت سلبی متصور است و هم از جهت ایجابی، مقصود از سلبی و ایجابی همان عدم طهارت (یا نجاست) و طهارت آب فاضلاب تصفیه شده است. در این جا چون مقتضای قاعده و هم چنین مقتضای اصل، نجاست آب فاضلاب تصفیه شده است، بدین جهت ما فقط به بررسی برخی ادله‌ی طهارت خواهیم پرداخت.

در ادله‌ی طهارت، برخی از آنها ناتمام بودنشان روشن و محرز است بدین جهت ما فقط به بررسی مهم‌ترین دلیل بر طهارت آب فاضلاب تصفیه شده می‌پردازیم. بدون شک مهم‌ترین دلیلی که بر طهارت آب فاضلاب تصفیه شده تصور می‌رود دلیل متمم کر است. دلیل متمم کر اختصاص به آب فاضلاب تصفیه شده ندارد. بلکه اصل دلیل و محل جریان آن برای آب فاضلاب قبل از تصفیه است. بنابراین با دلالت دلیل متمم کر آب فاضلابی که به اندازه‌ی کر برسد موجب طهارت آن آب می‌شود.

توضیح مطلب: اصل بحث این است که آب قلیل نجس با متمم دیگری از آب، به اندازه‌ی کر رسیده است، اگر بتوانیم اثبات کنیم که با رسیدن آب قلیل نجس به اندازه کر، به وسیله‌ی یک آب دیگر که متمم آن قلیل نجس به حد کر محسوب می‌شود، اگر با بلوغ به حد کر پاک و طاهر باشد، از این طریق می‌توان اثبات کرد که آب قلیل نجس در فاضلاب با اتصال به آب دیگر چون به حد کر رسیده پاک و طاهر است. پس اگر بتوانیم اثبات کنیم که با متمم کر، آن آب قلیل نجس دیگر، نجس نیست، در این صورت به مطلوب یعنی طهارت آب فاضلاب، حتی قبل از تصفیه رسیده‌ایم. اما اگر



نتوانیم طهارت آب قلیل نجس را با متمم کر اثبات کنیم دیگر راهی برای برون رفت از نجاست آب فاضلاب حتی فاضلاب تصفیه شده نداریم.

به هر حال در طهارت آب قلیل نجس که با متمم به حدّ کر برسد اختلاف است و در مسأله سه قول وجود دارد:

قول اول: قول مشهور که قایل است تتمیم قلیل نجس به حد کر، موجب طهارت آن نمی‌شود. فرقی ندارد متمم آن آب طاهر باشد یا آب نجس. (انصاری، کتاب الطهاره، ۱۷)

قول دوم: مذهب ابن ادریس که قایل است اگر متمم موجب شود که آب قلیل نجس به حد کر برسد، هرگز نجس نمی‌شود خواه متمم آن آب طاهر باشد یا آب نجس. (ابن ادریس حلی: کتاب السرائر، ۶۲)

قول سوم: قول به تفصیل است اگر متمم آب قلیل نجس، آب طاهر باشد پاک می‌شود ولی اگر متمم آب نجس باشد هرگز پاک و طاهر نخواهد شد. این قول منسوب به سید مرتضی و ابن حمزه است (ر.ک، خوئی، التتبیح فی شرح العروه الوثقی، ۱/۲۴۷)

ما در این مقام درصدد هستیم که در صورت امکان قول به طهارت آب قلیل نجس تتمیم شده را به حد کر، اثبات کنیم چه قول به طهارت مطلق یا طهارت مشروط به متمم طاهر. بنابراین اگر قول به طهارت را اثبات کردیم مختار ما طهارت آب فاضلاب خواهد شد. اما اگر نتوانیم قول به طهارت را اثبات کنیم، دیگر درصدد اثبات نجاست آن نخواهیم بود. زیرا قول به نجاست مقتضای قاعده و مقتضای اصل است.

به هر حال بحث ما در دو مقام مقتضای اصول عملیه و مقتضای ادله‌ی لفظیه خواهد بود.

### مقام اول: مقتضای اصول عملیه

بر فرض عدم وجود دلیل لفظی معتبر دالّ بر طهارت آب قلیل نجس که با متمم به حد کر رسیده نوبت به اصول عملیه می‌رسد. البته در این مسأله متمم ما یا آب قلیل نجس است و یا آب قلیل طاهر که هر دو قابل بحث است؛

صورت اول: دو آبی که یکی متمم دیگری است، هر دو قبل از تتمیم نجس باشند، در این صورت بنا بر قول به جریان استصحاب در شبهات حکمیه استصحاب نجاست در هر دو آب جاری می‌شود. اما بنا بر عدم جریان استصحاب در شبهات حکمیه مرجع

قاعده‌ی طهارت، در هر دو آب است. مرحوم خوئی می‌فرماید: «بنا بر مسلک ما- عدم جریان استصحاب در شبهات حکمیه- برای جریان استصحاب نجاست و طهارت در هیچ یک از دو صورت مجالی باقی نمی‌ماند بلکه مرجع قاعده‌ی طهارت است مطلقاً. خواه متمم ما آب طاهر باشد یا آب نجس و خواه بین آب طاهر و آب نجس امتزاج حاصل شود یا امتزاج حاصل نشود». (همو، همان جا)

اما حق این است که مرجع بودن قاعده‌ی طهارت جای تردید و انکار است. زیرا عدم شمول دلیل قاعده‌ی طهارت بر موارد استصحاب به صرف حکومت دلیل استصحاب بر دلیل قاعده‌ی طهارت نیست تا در موارد سقوط دلیل استصحاب، بنا را بر شمول قاعده‌ی طهارت بر این موارد بگذاریم، بلکه عدم شمول دلیل قاعده‌ی طهارت بر موارد استصحاب به عدم مقتضی در قاعده‌ی طهارت و قصور اطلاق آن با غضّ نظر از حکومت استصحاب است. بنابراین قاعده‌ی طهارت نمی‌تواند مرجع باشد. بلکه - بعد از عدم امکان جریان استصحاب- مرجع اصله البرائت از نجاست و مانند آن است. (صدر، بحوث فی شرح العروه الوثقی، ۱/۵۰۰)

صورت دوم: متمم آب قلیل نجس آب طاهر باشد. این صورت خود دو فرض دارد. فرض اول: بعد از این که آب نجس با متمم به حد کر رسید، علم پیدا کنیم که مجموع متمم و متمم واقعاً و ظاهراً یک حکم بیشتر ندارد. چون به حسب ارتکاز عرفی امکان تجزیه و تفکیک در حکم به طهارت و نجاست این شیء خارجی که الآن از آب نجس و طاهر ترکیب شده وجود ندارد. در این جا تعارض بین دو استصحاب رخ می‌دهد. استصحاب طهارت در آب طاهر و استصحاب نجاست در آب نجس با هم تعارض می‌کنند و بعد از تعارض و تساقط، طهارت همه آب را با قاعده‌ی طهارت اثبات می‌کنیم. توضیح آن این است که در نظر مشهور فقها موضوع قاعده‌ی طهارت- یعنی شک- محقق و موجود است و از طرفی دلیل حاکمی- استصحاب- نیز وجودی ندارد. اما بر مبنای قصور اطلاق دلیل قاعده طهارت، شاید با مشکل مواجه شویم و در نتیجه نتوانیم با قاعده‌ی طهارت اثبات طهارت همه‌ی آب را نماییم.

اما شهید صدر معتقد است که با مبنای قصور اطلاق دلیل قاعده‌ی طهارت باز هم هیچ مشکلی نخواهیم داشت. زیرا قاعده‌ی طهارت در ابتدا آنچه را که طاهر بوده و شک در بقای طهارتش داریم را فقط شامل است اما به دلالت التزامی دلالت دارد که آب

قلیل نجس سابق که الآن شک در طهارتش را داریم طهارت ظاهری دارد. چون مبنای ما این بود متمّم و متمّم وحدت حکمی دارند و امکان ندارد هر کدام حکم جداگانه‌ای داشته باشند. پس نتیجه این که دلیل اجتهادی‌ای که بالمطابقه دلالت بر حکم ظاهری بر یکی از دو آب می‌کرد، بالالتزام دلالت دارد آب دیگر طهارت ظاهری دارد. (همو، همان جا) و ظاهراً حق هم با این بزرگوار است.

فرض دوم: اختلاف حکم متمّم و متمّم شرعاً و عرفاً (حتی در حکم ظاهری) معنی ندارد در این فرض استصحاب طهارت در آب طاهر با استصحاب نجاست در آب نجس متعارض نیستند زیرا امکان اختلاف دو آب در حکم ظاهری وجود دارد حتی اگر به اختلاف حکم واقعی دو آب قایل نشویم. چون صرف علم به اتحاد حکم واقعی دو آب طاهر و نجس، معارضه بین دو استصحاب ایجاد نمی‌کند، زیرا منجر به مخالفت عملی نمی‌شود. پس جریان هر دو استصحاب با هم معنی ندارد. مرحوم شهید صدر نیز در این باره می‌فرمایند: «بلکه در فرض امتزاج متمّم با متمّم، استصحاب نجاست طهارت لغو و بی‌اثر می‌شود (رک، همو، همان، ۵۰۱) در نتیجه در این فرض حکم به نجاست، استصحاب هر دو آب می‌کنیم.»

#### مقام دوم: مقتضای ادله‌ی لفظیه

۱. مرسله عوالی اللآکی عن النبی(ص) قال: «اذا بلغ الماء کراً لم یحمل خبثاً» (نوری،

مستدرک الوسائل، باب ۹. حدیث ۶، ۱/۱۹۸)

۲. و از همین کتاب است عن النبی(ص) قال: «اذا بلغ الماء قُلْتین لم یحمل خبثاً»

(همو، حدیث ۷). «وقتی آب به دو قله رسید حمل خبث نمی‌کند». در پاورقی کتاب

مستدرک الوسائل در ذیل این روایت آمده است: «و فی المصدر قدر قُلْتین» (همو،

همان جا)

طریحی در مجمع البحرین می‌نویسد: «اذا کان الماء قدر قُلْتین لم ینجسه شیء، القُله

اناءٌ للعرب کالجِره الکبیره یسع قریبتین او اکثر» (۳/۱۵۰۹) «هنگامی که آب به اندازه‌ی دو

قله رسید چیزی او را نجس نمی‌کند. قُله در نزد عرب ظرفی است مانند خمره بزرگ

گنجایش دو «قریه» یا بیشتر را دارد». و هر «قریه» تقریباً چهل سطل آب است، (زبیدی،

محمد مرتضی: تاج العروس، ۱۵/۶۲۹) یادآوری می‌شود که در المنجد آمده «جره» کوزه‌ای است با شکم بزرگ (خمره). (معلوف، لويس: المنجد فی اللغة، ۸۴) و «قربه» نیز به معنای مشک، مشک شیر است. (معین: فرهنگ فارسی معین، ۱/۱۲۳۲)

و با مراجعه و تأمل در روایت‌ها معلوم می‌شود که در منابع روایی ما واژه‌ی «قَلْتَان» وجود ندارد. آری این قول در فقه به شافعی نسبت داده شده و مقدار آن پانصد رطل است (شیخ طوسی در کتابش آورده: «و قال الشافعی:» اذا بلغ الماء قَلْتَيْن فصاعداً لاینجس بما یقع فیهِ من النجاسه الا ما یغیر احد اوصافه وحدهما بخمسائه رطل». (۱/۱۹۱): ر.ک. قمی سبزواری، علی بن محمد: جامع الخلاف و الوفاق، ۲۹)

به هر حال بحث ما در مورد این روایت در دو مقام است.

### مقام اول: دلالت روایت

تقریب استدلال به روایت به این نحو است که لسان نفی حمل خبث است. پس شامل نفی خبث بعد از وجود هم می‌شود و مانند لسان خبر اعتصام کر نیست که فقط نفی حدوث خبث باشد تا اختصاص به آبی داشته باشد که فی نفسه طاهر است. خلاصه این که مراد از «لم یحمل خبثاً» رفع نجاست از آبی است که به اندازه‌ی کر رسیده نه دفع نجاست و منع از حدوث نجاست ابتداءً.

در دلالت این خبر مناقشه شده به این که استفاده‌ی رفع نجاست از «لم یحمل خبثاً» بسیار بعید است بلکه چنین معنایی از آن مخالف تصریح لغت شناسان است. فیموی در معنای این روایت نوشته است: «معنای آن این است که آب وقتی به اندازه‌ی دو قله رسید قبول نکرد حمل خبث را. زیرا گویند فلانی حمل نمی‌کند ستم را یعنی ستم را از خودش دفع می‌کند. (المصباح المنیر، ۱۵۲)

این اثر در «النهایه» آورده است: «معنای روایت این است که وقتی آب به اندازه‌ی دو قله رسید خبث را ظاهر نکرد و خبث بر آن آب غلبه نکرد و گفته شده معنای «لم یحمل خبثاً» دفع خبث است. (۱/۴۴۴)

در تاج العروس زبیدی نیز همین معنا تکرار شده است (۱۴/۱۷۲) ظاهر این سخنان از لغویین این است که معنای «لم یحمل خبثاً» دفع است نه رفع.

شیخ حسین حلی تأکید می‌کند که معنای دفع از حمل مؤید دارد و آن این است که تمامی روایت‌های وارده در بحث کر و عدم انفعال در مقام بیان دفع هستند نه رفع و این که همه‌ی روایت‌ها در مقام بیان دفع باشند و فقط این روایت دلالت بر رفع نماید بسیار بعید است (دلیل العروه الوثقی، ۱/۵۶)

به هر صورت اگر بپذیریم که معنای روایت رفع خبث و نجس باشد، مدعا تمام است و دلالت روایت مقبول و گرنه تمسک به این روایت برای اثبات مدعا ناتمام است. اما هر چند کندوکاش نماییم اثبات معنای رفع مشکل و اثبات معنای دفع سهل و بی مؤونه است نتیجه آن که دلالت روایت ناتمام است و راهی برای اثبات طهارت آب لیلل نجس متمم به کر وجود ندارد.

#### مقام دوم: سند روایت

در این که سند روایت منقطع و مرسل است، تردید وجود ندارد. و این ارسال موجب ضعف سند بوده و این روایت دیگر قابل تمسک نیست. از طرفی عمل به این روایت هم ثابت نشده بلکه شاید بتوان گفت مشهور بر مضمون آن نیز فتوا نداده‌اند. محقق حلی می‌فرماید: این روایت اصلاً در کتاب‌های حدیثی ما یافت نشده است بلکه از غیر امامیه نیز کسی جز ابن حنبل زیدی به این روایت عمل نکرده است (متمسک العروه الوثقی، ۱/۱۷۰ به بعد)

با این وصف ادعای اجماع ابن ادریس حلی مبنی بر اجماع موافق و مخالف بر این روایت، حرفی بی‌پایه و اساس است و بدین ترتیب استدلال به نبوی مذکور برای اثبات طهارت متمم و متمم به حد کر رسیده از جهت سند و دلالت ناتمام است.

۲. معتبره و مستفیضه محمدبن مسلم از ابی عبدالله (ع): «و سئل عن الماء فیبول فیه الدوابّ و تلغ فیه الکلاب و یغتسل فیه الجنب قال: «إذا کان الماء قد کر لم ینجسه شیء». (حرّ عاملی، محمدبن حسن: وسائل الشیعه، باب ۹، حدیث ۴۱، رک به حدیث های ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸)

«از امام علی (ع) درباره‌ی آبی سؤال شده که چهارپایان در آن بول می‌کنند و سگان در آن ولوغ کنند و جنب در آن غسل کند، فرمود: «وقتی که آب به اندازه‌ی کر باشد چیزی او را نجس نمی‌کند.»

مقادیر معتبره این است که به ملاقات نجاست با آبی که به حد کر رسیده حدوث تنجیس منتفی است. بدین ترتیب این استدلال اختصاص دارد به صورتی که متمم ما پاک و طاهر باشد پس اگر آب متمم و متمم، هر دو نجس باشند دیگر مجالی بر تطبیق دلیل مذکور در مقام نخواهد بود. اما اگر یکی از دو آب طاهر و پاک باشد مصداق منطوق قضیه شرطیه دلیل اعتصام کر می‌باشد و ثابت می‌شود که با ملاقات، تنجیس احداث نشده است و مقتضای از اطلاق دلیل اعتصام کر این است که با ملاقات مقارن کریت تنجیس حاصل نشده است و این مطلب به این معناست که ملاقات آب طاهر با متمم نجس هر چند در آن حصول کریت به دست آمده اما با این حال به موجب اطلاق دلیل مذکور منجس نیست و هر گاه با این اطلاق، عدم حدوث نجاست در آب طاهر ثابت شود، با دلالت التزامی ثابت می‌شود از متممی که نجس بوده نجاست مرتفع شده است زیرا احتمال نمی‌دهیم که این دو آب در حکم واقعی اختلاف داشته باشند.

بدین ترتیب نتیجه می‌گیریم مجموع دو آب متمم و متمم طاهر هستند در صورتی که یکی از دو آب متمم و متمم طاهر باشند. اما اگر هر دو آب متمم و متمم نجس باشند هر دو آب نجس است.

#### اشکال بر دلالت روایت:

برخی به این تقریب استدلال اشکال کرده‌اند که کر مأخوذ در ادله اعتصام کر به عنوان موضوع برای ملاقات اخذ شده است پس باید در رتبه‌ی سابق بر ملاقات کریت ثابت شده باشد بنابراین شامل ما نحن فیه نمی‌شود چون قبل از ملاقات و تتمیم کریت ثابت نشده است. به عبارت دیگر حکم در دلیل اعتصام کر به عدم منجسیت موضوع آن ملاقات کر است چون کر به عنوان موضوع ملاقات اخذ شده است و در این جا ملاقات کر صدق نمی‌کند. (حکیم، محسن: مستمسک العروه الوثقی، ۱۷۱)

مرحوم حکیم در تقریب این اشکال می‌فرماید: «اما در متمم به آب طاهر دلیل ما این است که مقتضای عموم انفعال قلیل این است که مقدار طاهر که متمم کریت آب قلیل نجس است نجس باشد. زیرا با آب قلیل نجس ملاقات کرده در نتیجه نجس می‌شود. اما ادله اعتصام کر اختصاص به آب کری دارد که به عنوان موضوع ملاقات محفوظ مانده است. پس حتماً باید در رتبه‌ی سابق بر ملاقات کریت ثابت شود خلاصه

آن که ادله‌ی اعتصام کر شامل این بحث نمی‌شود و نمی‌تواند دلیل بر طهارت آب قلیل نجس تتمیم شده به حد کر باشد» (همو، همان جا)

به نظر می‌رسد این اشکال مرحوم حکیم اشکال درستی نیست. زیرا ملاقات به کر، بما هو کر اضافه نشده به طوری که کر موضوع ملاقات باشد، بلکه ملاقات فقط به ذات آب اضافه شده در برابر اضافه شدن کریت به آب. در غیر این صورت می‌بایست استصحاب کریت اصل مثبت باشد به این معنا که اگر می‌گفتیم هر آنچه از عمومات انفعال با ملاقات خارج شده ملاقات کر بما هو کر است، امکان نداشت که با استصحاب بقای کریت اثبات کنیم که ملاقات فعلاً ملاقات کر است. زیرا لازمه‌ی این که این آب باقی بر کریت است با این که فعلاً این آب ملاقی نجس است، این است که این ملاقات منسوب به کر بما هو کر است. پس عروض ملاقات برای کر و تقید ملاقات به کریت لازم عقلی استصحاب کریت تا حین ملاقات است پس استصحاب ما اصل مثبت است و بنابر صحت اجرای استصحاب کریت کشف می‌کند ملاقات در دلیل اعتصام کر، کر بما هو کر اخذ نشده است (صدر، محمدباقر: بحوث فی شرح العروه الوثقی، ۱/۵۰۲)

خلاصه‌ی کلام این که اگر متمّم آب قلیل نجس به کریت، آب طاهر باشد آب نجس از نجس بودن خارج می‌شود. اما اگر متمّم آب نجس باشد دیگر راهی برای طهارت مجموع متمّم و متمّم وجود ندارد.

اما مشکله این است که این تقریب استدلال برای اثبات طهارت آب قلیل نجس که به وسیله‌ی آب دیگر متمّم به اندازه‌ی کر رسیده در مقام فتوا نتوانسته تأثیر چندانی در مسأله داشته باشد. بدین جهت نهایت تأثیری که در برخی فتاوا داشته این است که «متمّم به آب طاهر، طاهر است علی الاقوی لکن احکام کر بر آن جاری نمی‌شود». (این فتوا از محمدحسین کاشف الغطا است) «المتمّم بطاهر طاهر علی الاقوی و لکن لایجری علیه احکام الکر». (ر.ک، طباطبائی یزدی، محمد کاظم: العروه الوثقی مع تعلیقات عدّه من الفقهاء العظام، ۱/۱۸۷). لکن مشهور فقهای معاصر به پیروی از صاحب عروه بر این عقیده‌اند: «القلیل النجس المتمّم کراً بطاهر أو نجس نجس علی الاقوی». (همو، همان جا) «آب قلیل نجس که به وسیله‌ی متمّمی به اندازه‌ی کر رسیده - خواه این متمّم آب پاک و طاهر باشد و چه آب نجس - بنابر نظر اقوی نجس است».

بیشتر حاشیه نویسان بر عروه در این جا سکوت اختیار کرده و این کلام ماتن را تلقی به قبول کرده‌اند. (همو، همان جا) به نظر می‌رسد وجه عدم مخالفت فقها بیشتر به این جهت است که این استدلال بر طهارت آب قلیل نجس که با آب طاهر مجموعاً به حد کر رسیده، در دلالت بر مدّعا همراه با اما و اگرهایی است.

خلاصه آن که دلالت بر طهارت آب قلیل نجس که به وسیله ی آب طاهر به حد کر رسیده چندان واضح و روشن نیست.

اما از آن جایی که چشم پوشی از این دلیل کار آسانی نیست، فتوا به نجاست آب قلیل نجسی که با آب طاهر به حد کر رسیده مشکل به نظر می‌رسد. زیرا این دلیل لفظی یک دلالت هر چند ضعیفی را به همراه داشته مضافاً به این که با سقوط دلیل لفظی از اعتبار دلالتی بر مدّعا امکان رجوع به اصول عملیه بر اساس برخی مبانی وجود دارد. بدین ترتیب امکان خدشه در نجاست محتمل است. شاید بر اساس همین ابهامات و تردیدات، برخی از فقها فتوا به نجاست آب قلیل نجس شده که به وسیله ی آبی دیگر به حد کر رسیده، نداده‌اند. (منتظری، حسینعلی " تعلیقه علی العروه الوثقی، ۳۷)

ولی مسئله این جاست که جز یک فقیه (شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، رک طباطبایی یزدی، محمد کاظم، ۸۷) هیچ کس جرأت نکرد که فتوا به طهارت آب قلیل نجس که با آب طاهر متمّم به حد کر رسیده بدهد. و این احتیاط مطرح شده از سوی برخی برای مکلفین چندان راه گشا نیست. زیرا فتوا به طهارت آبی که قبلاً نجس بوده دلیل واضح می طلبد. اما فتوا به نجاست آن مؤونه بسیار کمتری می طلبد بلکه مقتضای قاعده و اصل است. با این مطالب مطرح شده نتیجه‌ای که ما از بحث گرفتیم این است که قول به نجاست آب قلیل نجس متمّم به حد کر قولی قوی تر است خواه متمّم آن آب طاهر باشد یا نجس.

بدین ترتیب نتیجه این می‌شود که دلیلی بر طهارت آب فاضلاب قبل از تصفیه نداریم. و حکم آب فاضلاب بعد از تصفیه همان حکم آب فاضلاب قبل از تزکیه است زیرا دلیل لفظی معتبر بر طهارت آب فاضلاب تصفیه شده وجود ندارد. بلکه مقتضای قاعده و مقتضای اصل استصحاب نیز حکم به نجاست آب فاضلاب تصفیه شده است و راهی برای برون رفت از حکم به نجاست آب فاضلاب تصفیه شده متصور نیست. مگر این که در مسأله‌ی آب قلیل نجس که با آب طاهر یا نجس به حد کر رسیده فتوا به



طهارت داده باشد و هم چنین اگر در این مسأله احتیاط در فتوا به نجاست کرده باشند در مسأله‌ی آب فاضلاب تصفیه شده نیز باید احتیاط کنند.

با مطالعه‌ای که نگارنده بر روی فتاوی موجود در استفتائات کرده، هیچ یک از فقهای معاصر به طهارت آب فاضلاب تصفیه شده فتوا نداده‌اند. بلکه در بسیاری از استفتائات تصریح به نجاست آب فاضلاب تصفیه شده گردیده است.

آیات عظام سیستانی (حسینی سیستانی، علی: الاستفتائات، مسأله‌ی ۱۲)، حائری (حسینی حائری، کاظم: الفتاوی المنتخبه، مجموعه اجابات فی فقه العبادات و المعاملات، ۱/۳۰) و مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ناصر، الفتاوی الجدیده، ۲/۱۲) تصریح به نجاست آب فاضلاب تصفیه شده به روش متداول امروزی کردند. پاسخ استفتائات آیات عظام فاضل لنکرانی (فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، استفتائات، ۲/۳۰) و خامنه‌ای (حسینی خامنه‌ای، علی: رساله اجوبه‌ی استفتائات، ترجمه‌ی احمدرضا حسینی، ۱۸ و ۱۷) ظهور در نجاست آب فاضلاب تصفیه شده دارد. در این مسأله گویا مخالفی یافت نمی‌شود و هر چه در استفتائات موجودی که به دستم رسیده قول به طهارت آب فاضلاب تصفیه شده دیده نشد بلکه این قول محتمل هم نیست. اما یک استثنا مبنی بر احتیاط در مسأله از برخی از آیات عظام وجود دارد متن استثنا و پاسخ آن این است:

س ۱۱۲۸: فاضلاب‌هایی که مسلم النجاسه هستند بعد از این که توسط کارخانه کود شیمیایی تصفیه می‌شوند و در کانال‌های کشاورزی صاف و زلال می‌شوند آیا پاک هستند یا نجس؟

ج: محل اشکال است. (منتظری، حسینعلی: رساله‌ی استفتائات، ۸۲)

این احتیاط موافق با سخن ایشان است در تعلیق بر عروه در مسأله‌ی آب قلیل نجس که به وسیله‌ی آبی دیگر به حد کر رسیده است که در آن جا - همان طور که قبلاً گذشت- نیز در مسأله‌ی احتیاط را برگزیدند.

ما نیز در این پژوهش راهی جز گزینش قول به نجاست آب فاضلاب تصفیه شده نداریم و این نتیجه حاصله از این مقاله، با راهی پر فراز و نشیب به دست آمد. اما از آن جایی که در مسأله‌ی آب قلیل نجس اگر متمم به کر، آب طاهر باشد در آن جا هر چند بیشتر جانب قول به طهارت را تقویت کرده و به آن سو مشی کرده‌ایم اما در این که این مسأله‌ی تطبیق صحیح و دقیقی بر فاضلاب‌های موجود باشد مجالی برای تردید دارد،

البته به جهت این که در تشخیص این مصداق شبهه داریم. به همین جهت در آب فاضلاب - چه تصفیه شده و چه تصفیه نشده- قول به نجاست تقویت می‌شود و اگر خیلی تردید داشته باشیم قول به احتیاط در مسأله‌ی آب فاضلاب تصفیه شده و تصفیه نشده گزینه‌ی دوم است.

در پایان یادآوری دو نکته لازم و ضروری است.

نکته اول: در برخی از فتاوا در پاسخ پرسش و استفتایی درباره‌ی آب فاضلاب تصفیه شده اشاره به نوع غیر متعارف از انواع تصفیه فاضلاب‌ها شده است و آن این که آب فاضلاب به وسیله‌ی تبخیر آب و تبدیل دوباره بخار به آب تصفیه شود (حسینی خامنه‌ای، علی: رساله اجوبه‌ی استفتائات) به نحوی که در بازگشت بخار و تبدیل آن به آب آن جرم‌های نجس بازگشت نمایند. (حسینی حائری، کاظم: الفتاوی المنتخبه)

البته در این که این نوع تصفیه فاضلاب به گونه غیر متعارف است تردید وجود ندارد. اما اگر این نحوه از تصفیه در خارج محقق شود، بدون شک این تصفیه موجب طهارت آب فاضلاب تصفیه شده می‌شود.

نکته‌ی دوم: راه‌های تطهیر آب فاضلاب

از آن جایی که طبق نظر مشهور فقهای معاصر آب فاضلاب تصفیه شده نجس می‌باشد و یا این که احتیاطاً نجس است، برای تطهیر این آب ها راه‌ها و طرقی وجود دارد.

۱. اتصال آب فاضلاب تصفیه شده به آب باران یا ریزش باران بر آن.

۲. اتصال آن به آب جاری مانند آب رودخانه‌ها، جوی‌ها، دریاها.

۳. اتصال و وصل کردن آب فاضلاب تصفیه شده به آب چاه و چشمه.

۴. وصل کردن شیر آب به آب فاضلاب تصفیه شده.

در برخی از فرض‌های چهارگانه‌ی فوق در برخی صور می‌توان قطع حاصل کرد که آب فاضلاب تصفیه شده ظاهر گردید. زیرا علاوه بر اتصال، تصور می‌شود مزج و امتزاج بین آب فاضلاب تصفیه شده و آب متصل به آن به طور کامل و در حد لازم صورت گرفته است اما در برخی از فروض و برخی از صور آن احتمال مزج بین این دو آبی که با یکدیگر اتصال پیدا کرده‌اند، نمی‌رود.

البته اگر امتزاج بین آب فاضلاب تصفیه شده و آب متصل به آن معتبر و لازم باشد، هر چند برخی آن را «اقوی» (ر.ک طباطبایی یزدی، محمد کاظم: العروه الوثقی، ۲۷) و برخی «احوط» (همو، همان جا) دانسته‌اند، در این صورت صرف امتزاج مطهر آب فاضلاب تصفیه شده نیست. اما اگر امتزاج معتبر نباشد، در این صورت صرف اتصال آب شیر، کافی در طهارت آب فاضلاب تصفیه شده است کما این که نظر صاحب عروه عدم اعتبار امتزاج است (همو، همان جا) و به نظر نگارنده مشکله اعتبار امتزاج و عدم اعتبار آن پژوهشی مستقل و در خور توجه می‌طلبد که از حیثه‌ی این مقاله‌ی مختصر خارج است.

### فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- ابن اثیر جزری، مجدالدین ابوسادات مبارک بن محمد: النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم ۱۳۶۴.
- ۲- ابن ادریس حلی: کتاب السرائر، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ دوم ۱۴۱۰ق.
- ۳- انصاری، مرتضی: کتاب الطهاره، مؤسسه‌ی آل‌البیت بی‌جا، چاپ سنگی.
- ۴- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، نشر سخن، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۵- بروشور «سیستم تصفیه فاضلاب»، انتشارات روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب استان قم.
- ۶- حرّ عاملی، محمدبن حسن: وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت، قم، چاپ چهارم، ۱۴۰۹ق.
- ۷- حسینی حائری، کاظم: الفتاوی‌ المنتخبه، مجموعه اجابات فی فقه العبادات و المعاملات، دارالتفسیر قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
- ۸- حسینی خامنه‌ای، علی: رساله اجوبه استفتانات، ترجمه‌ی احمدرضا حسینی، انتشارات بین‌المللی هدی، تهران، ۱۳۸۳.
- ۹- حسینی سیستانی، علی: الاستفتانات، الطهاره.
- ۱۰- حلی، جعفر بن الحسن (محقق حلی)، مستمسک العروه الوثقی، مطبعه الآداب نجف اشرف، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ش.
- ۱۱- حلی، حسین: دلیل العروه الوثقی، به تقریر حسن سعید، نشر کتابخانه‌ی مسجد جامع دایره المعارف قرآن کریم، ۱۳۷۳.
- ۱۲- خوئی، ابوالقاسم: التنقیح فی شرح العروه الوثقی، به تقریر علی غروی تبریزی، مؤسسه انصاریان، قم، چاپ چهارم ۱۴۱۷ق.
- ۱۳- دهخدا، علی اکبر: لغت‌نامه، مؤسسه و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
- ۱۴- زبیدی، محمدمرتضی. تاج العروس. دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

- ۱۵- صدر، محمدباقر: بحوث فی شرح العروه الوثقی، نشر مجمع علمی شهید آیت الله صدر، بی جا، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- ۱۶- طباطبائی یزدی، محمد کاظم: العروه الوثقی مع تعلیقات عدّه من الفقهاء العظام، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- ۱۷- طباطبائی یزدی، محمد کاظم: الانقلاب غیر الاستحاله اذ لا تتبدل فیہ الحقیقه النوعیه بخلافها و لذا لا تطهر المتنجسات به و تطهر بها، مدینه العلم، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- ۱۸- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، مؤسسه بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- ۱۹- طوسی، محمدبن الحسن، کتاب الخلاف، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۷ق.
- ۲۰- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، امیر کبیر، ۱۳۶۹ش.
- ۲۱- فاضل لنکرانی، محمد: جامع المسائل، استفتانات، بی جا، ۱۳۷۱ش.
- ۲۲- فیومی مقرئ، احمدبن محمدبن علی: المصباح المنیر، دارالهجره، قم، ۱۴۱۴ق.
- ۲۳- قمی سبزواری، علی بن محمد: جامع الخلاف و الوفاق، به تحقیق حسین حسینی بیرجندی، انتشارات زمین سازان ظهور ولی عصر(عج)، ۱۳۷۹
- ۲۴- مصاحب، غلامحسین: دایره المعارف فارسی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۰
- ۲۵- معلوف، لویس: المنجد فی اللغه، دارالمشرق، ۱۹۹۲م
- ۲۶- معین، محمد: فرهنگ فارسی معین، انتشارات آدنا، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۴
- ۲۷- مکارم شیرازی، ناصر: الفتاوی الجدیده، نشر مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- ۲۸- منتظری، حسینعلی: تعلیقه علی العروه الوثقی، تفکر، تهران، چاپ اول ۱۴۱۵ق.
- ۲۹- منتظری، حسینعلی: رساله استفتانات، سایه، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳
- ۳۰- نوری، حسین: مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البیت، بیروت، چاپ اول، پ ۱۴۰۸ق.